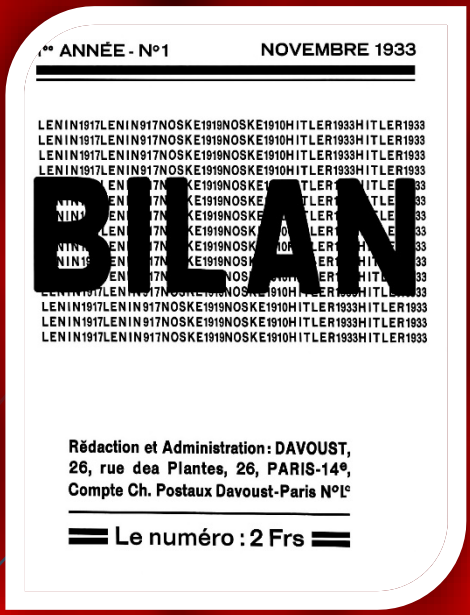
چرا هویت کمونیست چپ،
نه صرفاً انترناسیونالیست؟



صدای انترناسیونالیستی

تأکید بر هویت «کمونیست چپ» صرفاً تأکید بر یک نام نیست، بلکه بیانگر تعلق به سنتی تاریخی و سیاسی در جنبش کمونیستی است، سنتی که ریشه‌های آن را می‌توان در مبارزات انقلابی اوایل قرن بیستم و به ویژه در اوج‌گیری موج انقلاب جهانی و پیامدهای انقلاب روسیه در سال‌های پس از آن دنبال کرد. این جریان با عنوان «کمونیسم چپ» شناخته شد تا مواضع نظری و سیاسی خود را در برابر دیگر گرایش‌های درون جنبش کارگری و کمونیستی مشخص سازد. بنابراین، کمونیست چپ بودن نه به معنای قرار گرفتن در مرتبه‌ای بالاتر از چپ بودن، بلکه به معنای دفاع از سنتی تاریخی و معین، تجربه‌های مبارزاتی آن و مرزبندی‌های طبقاتی و سیاسی آن است.

اما چرا کمونیست‌های چپ خود را صرفاً «انترناسیونالیست» نمی‌نامند؟ پاسخ را باید در این واقعیت جست‌وجو کرد که انترناسیونالیسم، با وجود جایگاه بنیادینش در کمونیسم، به‌تنهایی نمی‌تواند هویت یک گرایش سیاسی و تاریخی مشخص را تعریف کند. انترناسیونالیسم اصلی اساسی برای هر جنبش کمونیستی انقلابی است، اما به‌خودی‌خود تمام محتوای نظری، سیاسی و تاریخی آن را توضیح نمی‌دهد.

انترناسیونالیسم؛ اصل بنیادین کمونیسم

انترناسیونالیسم بیانگر این حقیقت بنیادی است که سرمایه‌داری نظامی جهانی است و طبقه کارگر، مستقل از مرزهای ملی، در برابر مناسبات اجتماعی و اقتصادی این نظام قرار دارد. رهایی پرولتاریا نمی‌تواند در چارچوب منافع یک ملت، یک دولت یا یک کشور تحقق یابد؛ زیرا منافع تاریخی کارگران کشورهای مختلف، در بنیاد خود، بخشی از مبارزه مشترک طبقه کارگر جهانی علیه سرمایه و بردگی مزدی است.

کارگران آسیا، اروپا، آمریکا و دیگر نقاط جهان، نه به واسطه تابعیت ملی، بلکه بر اساس موقعیت طبقاتی خود با یکدیگر پیوند دارند. از همین رو، هیچ یک از بخش‌های طبقه کارگر نمی‌تواند رهایی خود را از رهایی عمومی پرولتاریای جهانی جدا سازد. دفاع از منافع ملی، حمایت از دولت خودی در رقابت‌های امپریالیستی یا قرار گرفتن در کنار یکی از اردوگاه‌های بورژوازی، با انترناسیونالیسم پرولتری در تضاد است.

از این منظر، انترناسیونالیسم صرفاً به معنای اعلام همبستگی با کارگران کشورهای دیگر نیست، بلکه مستلزم دفاع از استقلال طبقاتی پرولتاریا در برابر تمامی دولت‌ها، طبقات حاکم و اردوگاه‌های سرمایه‌داری است. این اصل یکی از معیارهای اساسی تمایز سیاست انقلابی پرولتری از سیاست‌های بورژوایی، چپ سرمایه‌داری و خرده‌بورژوایی است.

با این حال، پذیرش اصل انترناسیونالیسم به تنهایی برای تعیین تعلق سیاسی یک جریان کافی نیست. گرایش‌هایی خارج از سنت تاریخی کمونیسم چپ نیز ممکن است در مقاطعی مواضعی انترناسیونالیستی اتخاذ کنند، بی آن که در سایر مسائل اساسی مبارزه طبقاتی با مواضع کمونیست‌های چپ هم نظر باشند. بنابراین، مسئله صرفاً این نیست که آیا یک جریان خود را انترناسیونالیست می‌داند، بلکه این است که انترناسیونالیسم را بر چه مبانی طبقاتی و سیاسی‌ای استوار می‌کند و در عمل چگونه به آن پایبند می‌ماند.

برنامه کمونیستی و سازمان‌یابی انترناسیونالیستی پرولتاریا

برای کمونیست چپ، انترناسیونالیسم صرفاً یک اصل نظری یا موضعی در قبال جنگ‌های امپریالیستی نیست، بلکه باید در برنامه کمونیستی و شیوه سازمان‌یابی پرولتاریا نیز متجلی

شود. اگر سرمایه‌داری نظامی جهانی است و رهایی طبقه کارگر نمی‌تواند در چارچوب یک کشور تحقق یابد، برنامه کمونیستی نیز نمی‌تواند بر مبنای افق ملی یا منافع بخشی از طبقه کارگر تدوین شود. این برنامه باید بیانگر منافع تاریخی و اهداف مشترک پرولتاریای جهانی باشد و الغای مناسبات سرمایه‌داری، بردگی مزدی و جامعه طبقاتی را هدف قرار دهد.

از همین رو، سازمان‌یابی انترناسیونالیستی یکی از الزامات اساسی مبارزه کمونیستی است. طبقه کارگر برای تحقق رهایی خود به سازمان‌یابی مستقل و آگاهی از منافع تاریخی و جهانی خویش نیاز دارد؛ سازمان‌یابی‌ای که مبارزات کارگران در کشورهای مختلف را در افقی مشترک قرار دهد و از محدود شدن آن‌ها به مطالبات ملی، رقابت میان دولت‌ها و منافع جناح‌های مختلف بورژوازی جلوگیری کند. سازمان‌یابی انترناسیونالیستی به معنای نادیده گرفتن شرایط مشخص مبارزه در هر کشور نیست، بلکه به معنای پیوند دادن این مبارزات با برنامه و چشم‌اندازی مشترک در مقیاس جهانی است.

انقلاب کمونیستی نیز به لحاظ ماهیت و اهداف تاریخی خود، انترناسیونالیستی است. از آنجا که سرمایه‌داری نظامی جهانی است، برچیدن مناسبات سرمایه‌داری و استقرار جامعه‌ای رها از استثمار نمی‌تواند به افق ملی محدود بماند. انقلاب پرولتری را نمی‌توان به ساختن سوسیالیسم در محدوده یک کشور یا دفاع از یک دولت ملی به نام منافع طبقه کارگر تقلیل داد. تحقق رهایی پرولتاریا مستلزم گسترش انقلاب در مقیاس جهانی و برقراری مناسبات اجتماعی نوینی است که رهایی انسان از استثمار و سلطه طبقاتی را ممکن سازد.

بنابراین، میان برنامه کمونیستی، سازمان‌یابی انترناسیونالیستی و انقلاب جهانی پیوندی ارگانیک وجود دارد. برنامه کمونیستی بیانگر اهداف تاریخی پرولتاریا است. سازمان‌یابی انترناسیونالیستی ضرورت سازمان یافتن مبارزه در راستای این اهداف را منعکس می‌کند و انقلاب جهانی افق تاریخی تحقق آن‌ها را ترسیم می‌کند. از منظر کمونیسم چپ، هیچ یک از این سه مؤلفه را نمی‌توان از دو مؤلفه دیگر جدا کرد، بی آن که مبارزه برای رهایی پرولتاریا از محتوای انقلابی و جهانی خود تهی شود.

از این رو، تأکید بر هویت «کمونیست چپ» صرفاً به معنای اعلام وفاداری به یک سنت تاریخی نیست، بلکه بیانگر دفاع از جهت‌گیری سیاسی مشخصی است: تدوین و دفاع از برنامه کمونیستی، سازمان‌یابی مستقل و انترناسیونالیستی پرولتاریا و مبارزه در راستای انقلاب جهانی. انترناسیونالیسم در این معنا صرفاً یک موضع نظری یا سیاسی نیست، بلکه اصلی است که باید در اهداف، سازمان‌یابی و عملکرد جنبش کمونیستی تحقق یابد.

چرا «کمونیست چپ» و نه صرفاً «انترناسیونالیست»؟

عنوان «کمونیست چپ» به این پرسش پاسخ می‌دهد که از کدام سنت کمونیستی دفاع می‌کنیم، در حالی که عنوان «انترناسیونالیست» در درجه نخست بر فراملی بودن مبارزه طبقاتی و مخالفت با محدود کردن آن به مرزهای ملی تأکید دارد. کمونیسم چپ صرفاً نامی عمومی برای مخالفت با سرمایه‌داری یا دفاع از انقلاب جهانی نیست، بلکه سنتی تاریخی است که در جریان مبارزات درون جنبش کمونیستی شکل گرفته و در مواجهه با مسائل مشخصی چون انقلاب جهانی، مناسبات حزب و طبقه، دولت، پارلمان،

اتحادیه‌های کارگری، جنگ‌های امپریالیستی، فاشیسم و ضد فاشیسم، سیاست جبهه خلق و ائتلاف‌های طبقاتی، مواضع نظری و سیاسی معینی اتخاذ کرده است.

ارجاع به کمونیسم چپ نشان می‌دهد که سنت تاریخی مورد دفاع ما چگونه با سیاست جبهه خلق به مخالفت برخاست؛ چگونه از منظر مارکسیستی بر این نکته تأکید کرد که فاشیسم و ضد فاشیسم، هر دو، شکل‌هایی از سیاست بورژوایی در چارچوب سرمایه‌داری هستند و بورژوازی در عصر امپریالیسم به طبقه‌ای ارتجاعی در برابر پرولتاریا تبدیل شده است؛ چگونه رویدادهای اسپانیا از سال ۱۹۳۶ را نه صرفاً جنگی داخلی، بلکه در چارچوب رویارویی‌های امپریالیستی تحلیل کرد؛ و چگونه جنگ جهانی دوم را جنگی امپریالیستی دانست. این فهرست را می‌توان با بررسی مواضع این سنت در قبال رویدادها و تحولات بعدی تا به امروز ادامه داد.

در مقابل، اگر جریانی خود را انترناسیونالیست بنامد، این عنوان به تنهایی مشخص نمی کند که آن جریان در قبال مسائل و تحولات یادشده چه مواضعی داشته است. افزون بر این، اتخاذ موضعی انترناسیونالیستی در قبال یک پدیده اجتماعی یا یک جنگ، لزوماً به معنای پایبندی راسخ و پیوسته به انترناسیونالیسم پرولتری نیست. برای مثال، ممکن است گروه‌هایی در قبال جنگ روسیه و اوکراین (ناتو)، موضعی انترناسیونالیستی اتخاذ کنند و خود را «انترناسیونالیست» بنامند. حتی برخی از گرایش‌های آنارشیستی نیز چنین مواضعی اتخاذ کرده‌اند. با این حال، در جنگ‌های خاورمیانه، به ویژه جنگ غزه، برخی از همین گروه‌ها نتوانستند اصول انترناسیونالیستی خود را به طور منسجم به کار گیرند و استقلال طبقاتی موضع خود را در برابر جنگ‌ها و رویارویی‌های امپریالیستی حفظ کنند. در

مقابل، گرایش‌های کمونیست چپ، بر پایه اصول انترناسیونالیسم پرولتری و استقلال طبقاتی، بر ضرورت اتخاذ موضعی مستقل از تمامی اردوگاه‌های امپریالیستی و جناح‌های بورژوازی تأکید کردند.

این تفاوت نشان می‌دهد که اتخاذ موضعی انترناسیونالیستی در قبال یک جنگ، لزوماً به معنای تعلق به سنت تاریخی انترناسیونالیسم پرولتری نیست. یک گرایش سیاسی ممکن است در قبال مسئله‌ای مشخص موضعی انترناسیونالیستی اتخاذ کند، بی آن که به سنتی تعلق داشته باشد که انترناسیونالیسم پرولتری را به عنوان اصلی بنیادین و پیوسته در مبارزه طبقاتی خود دنبال کرده است. کمونیسم چپ، به مثابه سنتی انقلابی و پرولتری، از انترناسیونالیسم و استقلال طبقاتی پرولتاریا جدایی‌ناپذیر است.

از این رو، یک کمونیست چپ می‌تواند خود را انترناسیونالیست نیز بنامد؛ اما برای مشخص کردن دقیق‌تر هویت سیاسی و سنت تاریخی خود، بر تعلقش به سنت کمونیسم چپ تأکید می‌کند. به بیان دیگر، انترناسیونالیسم یکی از اصول بنیادین کمونیسم چپ است، اما به تنهایی برای تعریف هویت تاریخی و سیاسی آن کفایت نمی‌کند.

ریشه‌های تاریخی کمونیسم چپ

برای درک هویت کمونیسم چپ، باید به شرایط تاریخی شکل‌گیری آن بازگشت. یکی از نقاط عطف این تاریخ، جنگ جهانی اول و بحران جنبش سوسیال دموکراسی بود. در جریان جنگ جهانی اول، بخش بزرگی از احزاب سوسیال دموکرات با قرار گرفتن در کنار بورژوازی ملی، به اصل همبستگی بین‌المللی طبقه کارگر خیانت کردند، از

دولت‌های خود در جنگ حمایت کردند و کارگران را به گوشت دم توپ جنگ امپریالیستی تبدیل کردند.

در برابر خیانت بخش اعظم سوسیال دموکراسی به انترناسیونالیسم پرولتری، انقلابیونی قرار گرفتند که بر ضرورت مخالفت با جنگ امپریالیستی و دفاع از منافع مشترک کارگران کشورهای درگیر در این جنگ تأکید داشتند. کنفرانس زیمروالد در سال ۱۹۱۵ یکی از عرصه‌های مهم بروز این تقابل بود و جناح چپ آن نقشی اساسی در دفاع از مواضع انقلابی‌تر در برابر سیاست سازش طبقاتی ایفا کرد. شعار تبدیل جنگ امپریالیستی به جنگ داخلی، در آن بستر تاریخی، بیانگر درک شرایط جدید و ضرورت تبدیل مبارزه علیه توحش سرمایه‌داری به مبارزه‌ای مستقل و انقلابی از سوی پرولتاریا علیه طبقه حاکم بود.

انقلاب روسیه در سال ۱۹۱۷ و موج انقلابی سال‌های پس از آن، زمینه مساعدی برای گسترش مبارزه بر سر جهت‌گیری جنبش کمونیستی فراهم کرد. در کشورهای مختلف، گرایش‌هایی شکل گرفتند که خود را مدافع کمونیسم انقلابی می‌دانستند. از جمله این گرایش‌ها می‌توان به کمونیست‌های چپ روسیه، آلمان، هلند، بریتانیا و، به‌ویژه، کمونیست‌های چپ ایتالیا اشاره کرد.[1]

[1] در یک متن، به دلیل محدودیت حجم، نمی‌توان به تفصیل به کمونیست چپ روسیه، آلمان، هلند، بریتانیا، ایتالیا و دیگر کشورها پرداخت. درباره هر یک از این گرایش‌ها، مطالب متعددی و گاه کتاب‌های متعددی منتشر شده است که مطالعه آن‌ها می‌تواند به درک عمیق‌تر تاریخچه، روند شکل‌گیری و تحول این سنت تاریخی کمک کند.

با این حال، این جریان‌ها از نظر تئوریک و سیاسی یکسان نبودند. در میان آن‌ها، کمونیست‌های چپ ایتالیا و به ویژه نشریه بیلان نقشی ماندگار در تداوم و غنای نظری این سنت ایفا کردند. بدون تجربه‌ها و درس‌های کمونیسم چپ ایتالیا، تداوم این سنت تاریخی با چالش‌های بزرگی رو به رو می‌شد. کمونیست‌های چپ ایتالیا، با وجود محدودیت‌ها و چالش‌های فراوان، وظیفه تاریخی مهمی را بر عهده گرفتند و دستاوردهای نظری و سیاسی ارزشمندی برای نسل‌های بعدی کمونیست‌های چپ به جا گذاشتند. امروزه، هویت کمونیسم چپ نه با تعلق به کشوری خاص، بلکه با خصلت انترناسیونالیستی آن تعریف می‌شود؛ به بیان دیگر، کمونیسم چپ سنتی جهانی است که از مرزهای ملی فراتر می‌رود.

تفاوت دیدگاه‌های گرایش‌های کمونیست چپ درباره موضوعات گوناگون، بخشی از تاریخ واقعی کمونیسم چپ را تشکیل می‌دهد. از این رو، دفاع از این سنت تاریخی به معنای نادیده گرفتن تمایزات و تفاوت‌های درونی آن نیست. وجود گرایش‌های متفاوت امری طبیعی است؛ زیرا رشد و تحول مبارزه طبقاتی پرولتاریا فرایندی خطی و یکدست نیست و در بستر شرایط تاریخی و مبارزات گوناگون، گرایش‌های سیاسی متفاوتی درون جنبش کارگری شکل می‌گیرند.

با این حال، مسئله اساسی آن است که این تفاوت‌ها و اختلافات نظری در مسیر روشن‌تر شدن وظایف تاریخی پرولتاریا، تقویت استقلال طبقاتی و همگرایی انقلابی قرار گیرند. چنین همگرایی‌ای نه از طریق نادیده گرفتن اختلافات، بلکه از راه بحث و جدل نظری، نقد متقابل و بازبینی انتقادی تجربه‌های تاریخی امکان‌پذیر می‌شود.

استقلال طبقاتی و مرزبندی‌های سیاسی کمونیسم چپ

یکی از اصول محوری کمونیسم چپ، تأکید بر خود رهایی پرولتاریا است. رهایی طبقه‌ی کارگر تنها به دست خود این طبقه امکان‌پذیر است. این رهایی نمی‌تواند محصول اقدام یک دولت، یک حزب به جای طبقه، یک نیروی نجات بخش یا ائتلافی از طبقات متخاصم باشد؛ بلکه تنها از طریق مبارزه‌ی آگاهانه و مستقل خود طبقه‌ی کارگر و سرنگونی انقلابی مناسبات سرمایه‌داری در مقیاس جهانی، یعنی انقلاب جهانی کمونیستی، امکان‌پذیر می‌شود. در این فرایند، حزب طبقاتی پرولتاریا نقشی مهم و حیاتی ایفا می‌کند.

بر همین اساس، کمونیسم چپ بر ضرورت خود سازمان‌دهی کارگران، گسترش مبارزه‌ی مستقل طبقاتی و حفظ استقلال سیاسی و سازمانی پرولتاریا تأکید می‌کند؛ به ویژه بر استقلال حزب طبقاتی پرولتاریا و نقش آن در پیروزی انقلاب جهانی. نقد سیاست ائتلاف‌های طبقاتی و جنبش‌های فراطبقاتی، بخش مهمی از سنت سیاسی کمونیسم چپ را تشکیل می‌دهد و از یک نگرانی بنیادی سرچشمه می‌گیرد: چگونه می‌توان از ادغام مبارزه‌ی کارگری در جنبش‌های فراطبقاتی، بین‌طبقاتی و «همه با همی» جلوگیری کرد و مانع از آن شد که این مبارزه در سازوکارهای دولت سرمایه‌داری ادغام شود یا در خدمت منافع نیروهای غیرپرولتری قرار گیرد؟

در پی ادغام جریان‌هایی که زمانی تحت عنوان «کمونیست» فعالیت می‌کردند در دستگاه سیاسی بورژوازی و شکل‌گیری جناح چپ بورژوازی، کمونیسم چپ با مرزبندی قاطع با این جناح، که از آن با عنوان «چپ سرمایه» یاد می‌شود، نقش مهمی در دفاع از کمونیسم

انقلابی ایفا کرده است. چپ سرمایه، با وجود استفاده از زبانی رادیکال و طرح شعارهای ظاهراً ضد سرمایه‌داری، در چارچوب مناسبات سرمایه‌داری عمل می‌کند و در نهایت به تداوم و بازتولید این مناسبات یاری می‌رساند.

مرز اساسی میان کمونیسم انقلابی، یعنی کمونیسم چپ، و چپ سرمایه نه در رادیکالیسم شعارها، بلکه در محتوای طبقاتی، جهت‌گیری سیاسی و افق تاریخی آن‌ها نهفته است. کمونیسم چپ بیانگر ضرورت مبارزه‌ی مستقل طبقه‌ی کارگر برای برانداختن مناسبات سرمایه‌داری و الغای تمامی شرایطی است که استثمار انسان به دست انسان را بازتولید می کنند. در مقابل، چپ سرمایه، به عنوان جناح چپ بورژوازی، در محدوده‌ی بازتولید همین مناسبات باقی می‌ماند و با طرح مطالبات و شعارهای رادیکال، به حفظ نظام سرمایه‌داری یاری می‌رساند؛ نظامی که رهایی پرولتاریا مستلزم برانداختن آن است.

کمونیسم چپ؛ سنتی تاریخی در متن مبارزه طبقاتی امروز

کمونیسم چپ نه پدیده‌ای صرفاً متعلق به گذشته است و نه عنوانی که بتوان آن را بدون توجه به محتوای سیاسی و تاریخی‌اش به کار برد؛ بلکه با مبارزه‌ی طبقاتی امروز و، به ویژه، با چشم‌انداز انقلاب جهانی کمونیستی در آینده پیوندی ناگسستنی دارد. اهمیت کمونیسم چپ در آن است که تجربه‌های انقلابی و ضدانقلابی جنبش کارگری را به حافظه‌ی تاریخی مبارزه‌ی طبقاتی پیوند می‌دهد و امکان بررسی انتقادی مسائل امروز بر پایه‌ی تجربه‌های گذشته را فراهم می‌سازد. کمونیسم چپ همچون قطب‌نمایی در مبارزه ی طبقاتی عمل می‌کند و افق نبرد تاریخ‌ساز انقلاب جهانی کمونیستی را ترسیم می‌سازد.

ضرورت تاریخی کمونیسم چپ از تداوم مناسبات سرمایه‌داری، جامعه‌ی طبقاتی و بردگی مزدی سرچشمه می‌گیرد. تا زمانی که طبقه‌ی کارگر در برابر سرمایه قرار دارد و رهایی آن مستلزم الغای مناسبات سرمایه‌داری است، استقلال طبقاتی، انترناسیونالیسم، خودرهایی پرولتاریا و نقد سیاست‌های بورژوایی همچنان از اهمیت بنیادی برخوردار خواهند بود.

کمونیسم چپ تداوم انتقادی سنت انقلابی مارکسیسم است؛ سنتی که در دفاع از استقلال تاریخی و سیاسی پرولتاریا، با سازش طبقاتی و خیانت جریان‌هایی که زمانی به جنبش کمونیستی تعلق داشتند، مبارزه کرده است. دفاع از این سنت تاریخی به معنای ادعای مصونیت آن از خطا و اشتباه نیست؛ بلکه تأکید بر این است که کمونیسم چپ در طول تاریخ خود بر وفاداری به آرمان رهایی پرولتاریا و مبارزه برای تحقق آن پای فشرده، هرگز به اهداف پرولتری خیانت نکرده و در برابر تابع کردن اهداف پرولتری به منافع طبقات دیگر ایستادگی کرده است.

رشد و تحول طبقه‌ی کارگر فرایندی خطی نیست. از این رو، ظهور گرایش‌های سیاسی متفاوت درون جنبش کارگری بخشی از واقعیت تاریخی مبارزه‌ی طبقاتی است. مسئله‌ی اساسی این است که این تفاوت‌ها چگونه از طریق بحث نظری، نقد متقابل و، به ویژه، تجربه‌ی مبارزاتی بررسی می‌شوند و تا چه اندازه می‌توانند به روشن‌تر شدن وظایف تاریخی پرولتاریا یاری رسانند. همگرایی انقلابی را نمی‌توان با نادیده گرفتن اختلافات یا تحمیل وحدتی صوری به دست آورد؛ چنین همگرایی‌ای باید بر پایه‌ی روشن شدن اختلافات، دفاع از اصول مشترک و پیشروی مبارزه‌ی مستقل طبقاتی شکل بگیرد.

از این رو، ما بر هویت کمونیست چپ تأکید می‌کنیم؛ زیرا می‌خواهیم روشن باشد که از کدام سنت تاریخی دفاع می‌کنیم، کدام تجربه‌های مبارزاتی را مبنای تحلیل خود قرار می دهیم و بر اساس چه معیارهایی در برابر سیاست‌های بورژوایی، انحرافات درون جنبش کارگری و سیاست‌هایی که به تضعیف یا انحراف مبارزه‌ی مستقل کارگران می‌انجامند، مرزبندی می‌کنیم. انترناسیونالیسم یکی از اصول جدایی‌ناپذیر این سنت است، اما هویت کمونیست چپ محتوایی گسترده‌تر دارد و مجموعه‌ای از تجربه‌های تاریخی، نقدهای نظری و مواضع سیاسی را در بر می‌گیرد.

ما همه‌ی مبارزانی را که مسئله‌ی محوری‌شان رهایی پرولتاریا از بردگی مزدی و مناسبات سرمایه‌داری است، به مطالعه‌ی انتقادی این سنت و مشارکت در مباحثه و جدل نظری با گرایش‌های مختلف کمونیسم چپ فرامی‌خوانیم. این بحث‌ها، هرگاه بر پایه‌ی استدلال، بررسی انتقادی تجربه‌های تاریخی و دفاع از استقلال طبقاتی پیش بروند، می‌توانند به روشن شدن اختلافات، تعمیق شناخت نظری و تقویت مبارزه‌ی انترناسیونالیستی طبقه‌ی کارگر یاری رسانند و خود بخشی از این مبارزه انترناسیونالیستی باشند.

کمونیسم چپ نه صرفاً نامی برای معرفی یک گرایش، بلکه بیانگر تعهدی سیاسی و تاریخی به انقلاب جهانی کمونیستی، خود رهایی پرولتاریا و مبارزه علیه تمامی شکل‌های تابع کردن طبقه‌ی کارگر به منافع سرمایه است. دفاع از این سنت، دفاع از امکان رهایی انسان از جامعه‌ی طبقاتی و مناسبات بردگی مزدی است؛ مبارزه‌ای که تا تحقق این رهایی، ضرورت تاریخی خود را از دست نخواهد داد.

صدای انترناسیونالیستی

۳ آبان ۱۴۰۵

کانال تلگرام:
https://t.me/intvoice

ایمیل:
contact@internationalistvoice.org

وبسایت:
www.internationalistvoice.org

ایکس (توییتر):
https://twitter.com/int_voice

Workers of the world, unite!

Internationalist Voice

English فارسی



Communist Revolution or the Destruction of Humanity!

صدای انترناسیونالیستی منتشر کرده است !







